

سر نخ برخی حرف ها

۱۱

روضه خوانی اول :

نشتری بر عمل های کم تر باز شده
من تاریخ ننوشته ام

۱۱

مناظرات قبل از تولد:

مردی شهوت ران در لباس لجهاد
حمایت پدر بزرگ از جنگ علیه فرقه دموکرات
پرتاب کردن شیخ از طبقه سوم اداره به کف خیابان
بستن مغازه و آغاز طلبگی
پدرم عالیه را از شیشه حمام دید و نپسندید
طلبی که از روستا به قم می آیند
شهریه از شهر، آرد و روغن از ده
چشم به راه نذورات تجار تهران
دیوان خیام به مستراح انداخته شد

۱۲

نگاهی به کوچه و خیابان قم

خانه مان در همسایگی مدرسه حقانی بود
غسل جنابت در حوض
لجتماع روحانیون در خزینه حمام
وقتی که زن "قاعده" است، مرد بیچاره چه کند!
مرد سعادت‌مندی که هر صبح با غسل جنابت نمازش را می خواند
عبور و مرور مردگان روی پل آهنچی
نماز و روزه استیجاری

حلال و حرام، ثواب و گناه، مستحب و مکروه، محرم و نامحرم
"مرده خور" و "مفت خور"
آداب آب پاشیدن از پنجره به کوچه
راه مقابله با "یاجوج و ماجوج"
مارمولک های دندان شمار
آرزوی دیدن صورت زیبای دختر خاله
زندگی به سبک تهرونی ها
زنان آویزان در جهنم
قم: دروازه بهشت ، تهران : دروازه جهنم
شب اول قبر
شیعه علی در آتش نمی سوزد
خاصیت عجیب دندان آم بی نماز
تربت امام حسین، رقیب داروخانه ها
دعای دلیلی ام، بیمار را به حالت مرگ تدلیخت
کور و افلیج های بی نام و نشانی که شفا یافتند
هندوآه اهدایی امام علیه السلام
سری که باید در حرم امام رضا اصلاح می شد
استخاره هایی که فاجعه می آفرینند
شیر درنده ای که ناگهان پس از عطسه ظاهر شد
جشن عروسی اجنه
زن و مردی که در شب عاشورا در رختخواب سنگ شدند
پیراهن خونین امام حسین زیر عبای روضه خوان
هواپیمای سرگردان بر فراز حرم حضرت عباس
شبی در تکیه آقای طالبی
دوره کارآموزی روضه خوانی در خانه ما

... داشت. توصیف، محرک اصلی او در بازگشت به سرزمین دکنی و

زندگی بود. یکی از ویژگی‌های بارز او، دیگری بچه‌ها

بودن و

امروز

ساخت

می کند

باشد که

می گفتند: «واردات اش مرده و صادرات اش زنده است» و از آن به عنوان

محل دین بازی و صیغه پاد می بردند. - کشور که در گذرگاه های آن

عمامه های سیاه و سفید روحانیون و چادر مشکی و نقاب سیاه زنان موج

می زند، بنگ بچه اکنون چگونه زندگی می کند؛ چه چیزهایی می بیند؛ به چه

چیزهایی فکر می کند؛ آرزوهای او ایده آل، آیش چیست؛ با چه مشکلاتی

دست به گریبان است...

توصیف نحوه زندگی و شکل گیری شخصیت و هویت او

در خود در یک، پنجم و ششم است. شخصیت ای که «سر و ته» زندگی او

راش بود در این جمله خلاصه کرده از اولین سال های کودکی باید مواظب

دسرش باشد که دین و ایمان اش لطمه نیند و مراقب «ته» اش باشد که

زاموس اش بر باد نرود...